

آموزش زبان فارسی و برنامه‌درسی رشته زبان و ادبیات فارسی

مریم حیدری^۱

چکیده

زبان وسیله‌ای برای نظم بخشیدن به اندیشه و نیز ارتباط میان انسان‌هاست که به صورت گفتاری نمود می‌یابد. انسان‌ها برای به انجام رساندن خواسته‌های خود و اطلاع دادن به دیگران و اطلاع گرفتن از آنان و نشان دادن عواطف و احساسات خود به زبان نیاز دارد. در این میان زبان و ادب فارسی بهترین ابزار ارتباطی ما ایرانیان با دیگران و جهان پیرامون است.

امروزه میلیون‌ها نفر در کار خواندن و آموزش زبان فارسی تلاش می‌کنند و این دو عنصر را مایه قوام هویت ملی و تاریخی ما می‌دانند. پس شایسته است در چگونگی آموزش و معرفی آن به نسل‌های جدید بسیار تأمل و وقت و هزینه بیشتری جهت برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی که نقش اساسی در آموزش زبان فارسی دارند، صرف شود. نگارنده در این مقاله سعی نموده است ضمن توجه به اهداف آموزش زبان فارسی، شیوه‌های آموزش زبان فارسی را مورد نقد قرار دهد و پیشنهادهای جهت بهسازی کتاب‌های درسی و برنامه‌ریزی آموزشی ارائه دهد.

کلید واژه‌ها: زبان فارسی، آموزش، ادبیات فارسی، برنامه درسی، اهداف.

مقدمه

زبان فارسی هویت قومی و ملی ماست و وسیله انتقال فرهنگ اصیل گذشته ما به نسل‌های آینده است. بنابراین آموزش زبان و مهارت‌های زبانی می‌بایست کانون توجه برنامه‌ریزان آموزشی باشد تا با ارتقای سطح آموزش در مدارس و توجه خاص به شیوه آموزش و برنامه ریزی دقیق جهت تدوین کتب درسی زبان و ادب فارسی، وظیفه خطیر آموزش صحیح زبان فارسی و انتقال صحیح فرهنگ ایرانی به نسل آینده به درستی انجام شود.

کتابهای درسی، در آموزش زبان فارسی نقشی کلیدی دارند؛ بنابراین، باید در آماده سازی و ارائه آنها، بیش از پیش سرمایه گذاری کرد؛ زیرا در سرتاسر جهان در آموزش زبان، هنوز کتاب ارزش ویژه و نهادین دارد و هرگونه سهل انگاری در پردازش و ویرایش، نادرست خوانی، نادرست نویسی، نادرست فراگیری را به دنبال خواهد داشت و به چرخه‌ای نابه سامان تبدیل خواهد شد.

آشکار است تا زبان فارسی را خوب ندانیم و اصول و قواعد آن را که صرف و نحو دستور زبان و آگاهی بد الفاظ و معانی است، یاد نگیریم، نخواهیم توانست با دقت و صحت و رسا و شیوا بنویسیم و بخوانیم و به رفع نیازهای جاری بپردازیم. (دامادی، ۱۳۷۴: ۴۱)

اهداف آموزش زبان

در گذشته معلمان زبان فارسی سعی می‌کردند مهارت‌هایی را به دانش‌آموزان بیاموزند که آنها قادر باشند به شهرت یک ادیب برسند و شاهکارهای ادبی بیافرینند، اما در عصر حاضر متأسفانه تنها مشغله معلمان زبان این است که

^۱ دانش‌آموخته دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، مدرس دانشگاه فرهنگیان

امکان دستیابی دانش‌آموز به تحصیلات عالی را میسر سازند و همین مسأله آفت آموزش زبان است. بسیاری از معلمان هرگز به اهداف خود از آموزش زبان نمی‌اندیشند و نمی‌دانند در چه موقعیتی و به چه دانش‌آموزانی تدریس می‌کنند. این قبیل معلمان به همان شکلی تدریس می‌کنند که به آنها تدریس شده شیوه‌ای که برای عصری دیگر و برای رسیدن به اهداف متفاوت مناسب بوده است ممکن است درس برای دانش‌آموز جالب و جذاب نباشد ولی همین که دانش‌آموز بتواند نمده قبولی بگیرد معلم راضی است. بر اثر گذش زمان موقعیتهای جدیدی براب مردم یک کشور پیش می‌آید و این تغییرات تولیتهای معلم زبان را تغییر می‌دهد معلمانی که از چنین تغییراتی آگاه باشند و اهداف متناسب با آن را شناسایی کنند سعی می‌کنند تا شیوه تدریستان برای شاگردان مناسب باشد. امروزه مهم-ترین اهداف آموزش زبا عبارتند از:

- ۱- گسترش توانایی فکری زبان آموزان از طریق آشنایی با زبانی دیگر
 - ۲- افزایش سطح فرهنگ فردی شخص به کمک مطالعه شاهکارهای ادبیات و فلسفه به زبان جدید.
 - ۳- آگاهی یافتن از چگونگی کارکرد زبان به علت آشنایی با زبانی دیگر.
 - ۴- کسب مهارت خواندن و قرار گرفتن در جریان نوشته‌ها، تحقیقات و اطلاعات جدید.
 - ۵- تجربه بیان اندیشه و احساسات در چارچوب زبان، اشارات و فرهنگی دیگر.
 - ۶- شناخت پیدا کردن درباره مردمی که زبانشان را می‌آموزند برای آگاهی از نحوه زندگی و تفکر آنان.
 - ۷- توانایی برقراری ارتباط شفاهی و کتبی با سخنگویان بومی و غیربومی آن زبان در بافتی خصوصی یا کاری.
- هنگامی که کسب دانش، قلمرو نخبگان فکری و اجتماعی بود یادگیری زبان عمدتاً برای آشنایی با شاهکارهای ادبی و فلسفه انجام می‌شد و بسیاری از شاگردان دوره‌های پیشرفته با ادبیات و فرهنگ خود آشنا بودند. اما امروزه با توجه به فزونی یافتن فارغ التحصیلان دوره‌های عالی و رقابت فزاینده برای پذیرش در دوره‌های تخصصی دیگر اوضاع چنین نیست. شاگردان امروزی دیگر وقتی برای فراگرفتن زبانی جدید به عنوان بخشی از تحصیلات خود ندارند اما ادبیات و فلسفه فرهنگ‌های بیگانه هنوز توجه آنها را به خود جلب می‌کند و آنها می‌توانند از طریق ترجمه‌های معتبر به آنها دست یابند و نیازی به یادگیری زبان برای خواندن این متون ندارند (ریورز، ۱۹۸۱: ۹-۱۰).
- گرچه ادبیات به مفهوم گسترده آن همیشه مطالب جالب و قابل توجهی برای کلاسهای زبان فراهم می‌کند اما نه در کلیه سطوح ادبیات در زبان بومی و غیربومی همچنان عامل مهمی در تعلیم عمومی بوده، مطالعه تخصصی آن به زبان دیگر علاوه بر لذتی که ایجاد می‌کند یکی از اهداف مهم زبان آموزی خواهد بود.
- هنگامی که به ارتباط می‌اندیشیم تنها می‌توان به دو گونه متمایز گفتاری و نوشتاری اشاره کرد که خود کاربردها و انواع گوناگونی دارند. اما هدف از این ارتباط در واقع مبادله فرهنگ و اندیشه است و این منظور برآورده نمی‌شود مگر با توجه به آنچه که فرهنگ و ادب یک ملت را می‌سازد (ژیرار، ۱۳۶۵: ۷۵-۸۰).
- فرهنگ مجموعه به هم بافته و پیچیده ای است از دانش، اعتقادات، هنر، اخلاق، آداب و هر قابلیت و عادت که به عنوان یک عضو جامعه کسب می‌کنیم. فرهنگ مظهر نحوه تطبیق انسان با محیط خود است. با توجه به شباهتهایی که در طبیعت وجود دارد در فرهنگ‌ها نیز اشتراکات فراوانی می‌یابیم. ادبیات یک کشور بیگانه احتمالاً از جمله بهترین وسایل درک فرهنگ آن جامعه است. محیط، تطبیق شخصیتها با محیط، عقاید، آرمانها، ارزشها، عادات و گفتار شخصیتها این ویژگیها را باز می‌نمایند (فینوکیارو، ۱۹۷۳: ۵۸).

ادبیات یکی از شایع ترین و عام ترین وسایل انتقال فرهنگی است که به دو صورت شفاهی و مکتوب تجلی می‌یابد اما تمام زبان نیست. زیرا زبان در دوره‌های مختلف به صور گوناگون به کار می‌رود و این انواع باید از هم باز شناخته شوند. علاوه بر آن انواع دیگری چون گونه‌های عامیانه، فصیح، منطقه ای، جغرافیایی، تخصصی، فردی و

سبکی مواجه می‌شویم که هر یک بررسی و مطالعه متفاوتی را طلب می‌کند و اگر در برنامه‌ریزی آموزش زبان تنها به یکی از این وجوه پردازیم برنامه‌ای ناقص ارائه داده ایم که زبان آموز را قادر به استفاده تمام و کمال از زبان نمی‌سازد و این گویشور نمی‌تواند همچون یک گویشور بومی از این وجوه مختلف استفاده کند. مورد دیگری که باید بدان پرداخت مسئله میزان آشنایی زبان آموز با زبانی است که می‌خواهد یاد بگیرد.

در سطح مبتدی زبان آموز ابتدا با گونه گفتاری زبان آشنایی می‌یابد و سپس طی مراحل به مطالعه و یادگیری صورت مکتوب گفتار و صورت نوشتاری متون متناسب برای سطح مبتدی می‌پردازد و پس از آن به تدریج با سطوح میانی، پیشرفته و عالی زبان آشنا می‌شود (ژیرار، ۱۳۶۵: ۸۲).

همان طور که پیش از این گفته شد برای حصول نتیجه ای بهتر نیاز به مطالعه و تحقیق درباره زبان آموزان و انگیزه آنان از یادگیری زبان فارسی کاملاً ضروری و محسوس است تا بتوان بر پایه این اطلاعات به برنامه ریزی صحیح و منطبق بر اصول علمی انجام شود می‌توان نتایج کار را نیز سنجید و معلوم ساخت که آیا برنامه ای موفق بوده یا نه؟ آیا مدرسی توانسته از عهده وظایف محوله برآید یا نه؟ آیا کتابهای درسی و مواد کمک درسی (چاپی، فیلم، نوار، برنامه رایانه ای و غیره) کارآمد و متناسب است؟

برای موفق شدن در امر آموزش زبان فارسی تنها داشتن شور و شوق کافی نیست و باید به شکلی نظام یافته موضوع را بررسی کرد. با توجه به این حقیقت که کشورهای دیگر به کسب تجربیات فراوان و گسترده ای در زمینه آموزش زبان نائل شده اند و موفقیت‌های غیرقابل انکاری به دست آورده‌اند مصلحت آن است که با استفاده از دستاوردهای آنان از تکرار مجدد همان آموزه‌ها اجتناب کرده در صرف انرژی مادی و معنوی صرفه‌جویی کنیم و راه کوتاه‌تر را برای رسیدن به مقصود یعنی آموزش زبان فارسی و از آن مهم‌تر انتقال ادب و فرهنگ ایران برسیم.

بدین منظور که ابتدا باید به تحقیق پرداخت که چه کسانی و برای چه مقصودی می‌خواهند زبان فارسی را یاد بگیرند. پس از گردآوری اطلاعاتی درباره زبان آموزان، هدف آنان، طول دوره و غیره می‌توان چارچوب نظریه ای مناسب برای تدریس موضوع مورد نظر انتخاب کرده، به تهیه مواد درسی و کمک درسی مناسب برای اهداف مزبور پرداخت. قدم بعدی تهیه آزمون‌های مناسب برای سنجیدن میزان کارایی کتاب‌ها و مواد کمک درسی است تا در صورت نیاز بتوان در ساختار و ترکیب آنها تجدیدنظر کرد. آنگاه نوبت مدرسان است که با تکیه بر دانشی که در زمینه آموزش زبان اندوخته اند به انجام وظیفه پرداخته با ارائه نظرات انتقادی و اصلاحی خود به رفع اشکالات برنامه کمک کنند. (شقایق، ۱۳۷۸: ۱۳۱)

شیوه آموزش زبان فارسی و معایب آن

مبنای ارزیابی شیوه آموزش زبان مادری در مهارت‌های خواندن و نوشتن از نقطه نظر معیارهای تعلیم و تربیت نقش ابزاری آن در نظم‌بخشی تفکر و پرورش تفکر خلاق و شیوه تفکر انتزاعی و کسب توانایی در بیان است و نه اطلاع رسانی صرف درباره زبان.

این تواناییها و مهارت‌های فکری لازم است به کمک مواد زبانی مناسب و شیوه‌های آموزشی و تمرین‌های مناسب در سطوح مختلف آموزش داده شود. چرا که خواندن و نوشتن توانایی‌های پیچیده مهارتی هستند و نه صرفاً اطلاعاتی. آموزش زبان فارسی در چارچوب مهارت‌های خواندن و نوشتن از نظر قالب، محتوا و شیوه نوشتن توانایی‌هایی است که در شیوه تفکر و بیان خلاق و منطقی فرد نقش اساسی دارد.

ماهیت زبان و شیوه آموزش زبان:

برای بررسی نسبت بین زبان و مغز و شناسایی ماهیت آن از یافته‌های جدید علمی تجربی و بالینی می‌توان بهره‌مند شد. بر پایه این یافته‌ها یادگیری و حافظه را این چنین می‌توان تعریف کرد:

یادگیری فرایندی است که در جریان آن، دانش یا اطلاع جدیدی به مغز می‌رسد، و حافظه فرایندی است که اطلاعات رسیده به مغز در طول زمان پردازش و نگهداری می‌شود.

اگر این تعریف ساده را درباره یادگیری و حافظه بپذیریم. پرسش بعدی این است که آیا یادگیری و حافظه پدیده‌های یکسانی هستند و یا دارای انواع. مطالعات نوروبیولوژیک درباره یادگیری و حافظه نشان داده که هم یادگیری و هم حافظه دارای انواع است.

مهارتهای خواندن و نوشتن چگونه آموزش داده شود:

اگر بپذیریم که زبان یک نظام شناختی و مهارتی است. آموزش آن در بعد شناختی و مهارتی است. آموزش آن در بعد شناختی به عنوان هدف نیست، بلکه به عنوان یک فرایند و فعالیت شناختی پیچیده است که به کمک آن می‌توان شیوه تفکر منطقی و بیان منطقی را آموخت.

در آموزش زبان باید از توانایی‌های شناختی و شیوه‌های تفکر استقرایی و استنباطی بهره‌گیری کرد. همان‌طور که در زندگی روزانه داده‌های رسیده به ذهن را با شیوه‌های مختلف شناختی از قبیل: طبقه بندی، شباهت سازی و همسان سازی، تضاد و تقابل سازی و رابطه‌های علت و معلولی نظم می‌دهیم، در آموزش مهارتهای زبانی خواندن و نوشتن هم باید از این شیوه‌های شناختی در تجزیه و تحلیل متون استفاده کرد.

آموزش زبان و مهارتهای زبانی باید به شیوه‌ای باشد تا به کمک تمرینهای مناسب دانش آموزان را در جهت شناسایی شیوه‌ها و توانایی‌های فکری و استنباطی که در اختیار دارند هدایت کند. به طوری که بتوانند در زبان و نوشتار خود این شیوه‌ها را به کار بگیرند.

شیوه آموزش زبان و مهارت‌های زبانی باید بر پایه سه اصل پی ریزی شود:

۱- طرح پرسشهای منطقی درباره داده‌های زبانی و متونی که آموزش داده می‌شود.
۲- پردازش و تحلیل داده‌های زبانی به عنوان حل مسأله و تشخیص رابطه منطقی بین اطلاعات موجود در متن.

۳- استنباط و نتیجه گیری از داده‌های زبانی

بر پایه این اصول سه گانه لازم است در آموزش زبان برای مهارتهای خواندن و نوشتن در شیوه‌های فکری زیر تمرین و ورزیدگی به دست آورند:

شیوه بیان برای تعریف و شرح موضوع

❖ شیوه بیان فرضیه

❖ شیوه بیان پیشنهاد

❖ شیوه بیان نظر شخصی

❖ شیوه بیان برای رد نظر دیگران

❖ شیوه بیان بحث و مباحثه کردن

از نظر مهارتی نیز باید در شیوه‌های مهارتی زیر و ورزیدگی و مهارت لازم آموزش داده شود:

❖ شیوه بیان موضوع به ترتیب زمانی

❖ شیوه بیان توصیف کردن

❖ شیوه بیان طبقه بندی کردن

❖ شیوه بیان شرح همراه با مثال

❖ مقاله نویسی و بیان منطقی موضوع بحث

چه مواد زبانی باید آموزش داده شود؟

اگر اصولی که در مورد ماهیت زبان و شیوه آموزش آن مطرح شد بپذیریم خواهیم دید که نه تنها مواد زبانی را باید به شیوه‌های متناسب با ماهیت شناختی آنها آموزش داد، بلکه هر نوع متنی با مواد زبانی هم برای این شیوه آموزش مناسب نیست.

ویژگی‌های مثبت کتاب‌های درسی:

در کتاب‌های درسی دبیرستانی سال اول تا سوم رشته‌های مختلف دو نوع کتاب به نام‌های زبان فارسی و ادبیات فارسی ملاحظه می‌شود. کتاب‌های زبان فارسی به آموزش کاربردهای ابزاری مختلف زبان فارسی و کتاب‌های ادبیات فارسی به معرفی نمونه‌ها و انواع ادبی اختصاص داده شده است.

ویژگی‌های عمده مثبت کتاب‌هایی که بررسی شده به طور خلاصه عبارتند از:

- پذیرش تفاوت بین زبان زنده و معاصر فارسی و گونه‌های تاریخی زبان فارسی
- جداسازی زبان معیار امروز، زبان ادبی و زبان علمی فارسی
- پذیرش گونه‌های مختلف و کاربردهای مختلف برای زبان فارسی و آموزش و معرفی گونه‌ها و کاربردهای متفاوت آن.
- معرفی دیدگاه علمی و اصول زبان‌شناسی همگانی و پیاده کردن مفاهیم بنیادی آن برای زبان فارسی در درسهای مختلف کتاب‌های درسی
- پرهیز از دستور زبان سنتی و برداشتهای نادرست درباره زبان
- درج نمونه‌های ادبی از انواع ادبی از نویسندگان معاصر زبان فارسی
- وجود واژه نامه عمومی و واژه نامه توصیفی از نام‌های خاص در پایان کتاب
- مشکلات و پاره ای از نارساییها در کتاب‌های درسی:
- خواندن به عنوان یک مهارت مستقل زبانی پیچیده از نوشتن به عنوان مهارتی دیگر در کتاب‌های درسی کاملاً تفکیک نشده است.
- تمرین‌های مناسب اختصاصی برای پرورش مهارت‌های درک مطلب و خواندن در سطوح مختلف در کتاب‌های درسی نیامده است.
- پرسش‌های درک مطلب برای متون درسی کتابها بسیار محدود است و پرسش‌های موجود بیشتر از نوع اطلاع رسانی است نه درک و رابطه منطقی و برداشتهای استقرایی درباره اجزای متن بسیار نادر است.
- پرسش‌های محتوایی در مورد رابطه منطقی بین اجزای ارائه نشده است.
- پرسش‌های تحلیلی به عنوان حل مسأله در پایان درس‌ها ارائه نشده است.
- تمرین‌های نوشتاری برای ورزیدگی در کاربردها و گونه‌های مختلف زبان وجود ندارد. (نیلی‌پور، بی تا: ۲۵)

بهسازی کتاب‌های درسی

نخستین حقیقتی که در بررسی بعضی از کتاب‌های دبیرستان آشکار می‌شود، کهنگی مطالب و شتاب زدگی است؛ شاید نویسندگان عظمت و حساسیت کارشان را فراموش کرده‌اند و تنها از روی پیشینه ذهنی، مطالب را گرد آورده آن را ارائه کرده‌اند.

نگارنده بر خود لازم می‌داند پیشنهادهای خود را در مورد بهسازی کتاب‌های درسی رشته ادبیات، بدین گونه ارائه دهد:

الف- مهم‌ترین نکته در این باره، هم خوانی مطالب و موضوعات کتاب‌ها با توان، ذهن و روحیه دانش‌آموزان است؛ زیرا جوانان بر پایه نیازهای ویژه سنی و شخصیتی، پی‌گیر مسائل و مطالبی هستند که پاسخ‌گوی این نیازها و آرمان‌ها باشد و این را هرگز نمی‌توان از میان متن‌های کهنه و نابهنگام به آن‌ها ارائه داد. استفاده از ادبیات ویژه جوانان در این امر می‌تواند راه‌گشا باشد.

ب- کار آماده‌سازی و ارائه کتاب‌های درسی را باید گروهی از زبده‌ترین، روشمندترین، خبره‌ترین استادان و معلمان نوجو، با مشورت روان‌شناسان و زبان‌شناسان انجام دهند و سپس حاصل کار به ویراستارانی توانا سپرده شود تا هرگونه کاستی جبران شود.

پ- پس از انتشار کتاب‌های درسی، در پایان هر ترم، گروهی ویژه به گردآوری دیدگاهها، نقدها و سنجه‌های معلمان درباره آن کتاب‌ها پردازد تا اثرات مثبت یا منفی آن‌ها ارزیابی شود.

ث- برگزاری کلاسهای بازآموزی برای معلمان ادبیات به صورت پی‌گیر و شناسایی و تشویق معلمان دل‌سوز و باسواد می‌تواند به بهبود امر آموزش کمک کند.

ج- برگزاری گردهمایی‌ها و همایش‌های فصلی یا سالانه و دعوت از دبیران و ویراستاران کارآمد برای ارائه دیدگاه‌ها و بررسی تجربه‌های همکاران، به دور از هر گونه تکلیف و شعارزدگی.

ج- انتشار فصل‌نامه یا ماه‌نامه‌ای ویژه با همکاری دبیران ادبیات، بدان گونه که مطالب آن بیشتر بر پایه دستاوردها و دیدگاههای علمی دبیران و پژوهندگان زبان فارسی باشد. شایسته است که همه معلمان را در این ماه‌نامه یا فصل‌نامه مشترک کرد یا دست کم یکی دو شماره از آن را به رایگان برای هر واحد آموزشی فرستاد.

ح- آشنا ساختن دبیران با کارها و هدفهای فرهنگستان و هشدار که هر کدام از دبیران ادبیات می‌توانند عضوی افتخاری اما مسئول در فرهنگستان باشند و دستاوردهای خویش اندیشی و فرهنگستان ارائه دهند.

خ- سرکشی پی‌گیر به مدارس و دبیرستان‌ها برای یافتن چگونگی تدریس دبیران و گزینش بهترین دبیر از نظر روش تدریس و جاری ساختن شیوه‌های برتر در همه واحدهای آموزشی.

د- فعال ساختن کتابخانه‌های دبیرستان‌ها و مدارس راهنمایی و اداره آنها به دست دانش‌آموزان، تهیه کتابهای نو و تازه چاپ برای آشنایی دانش‌آموزان با کتاب‌های جدید.

د- متناسب کردن حجم درسها با ساعت‌های تدریس و افزایش ساعت‌های تدریس ادبیات در دبیرستان‌ها.

برنامه ریزی آموزشی

هدف از برنامه‌ریزی آموزشی، سامان‌دهی به تلاش‌ها و کوشش‌ها و جهت‌دادن به آنان برای دست‌یابی به نتیجه‌ای ارزشمند و بایسته است؛ آن‌گونه که از هرز رفتن و بیهوده ماندن نیروها پیش‌گیری شود. در این زمینه، باید واقعیت‌ها را آن‌گونه که هست، پذیرفت و از دوباره کاری‌ها پرهیز کرد که جز بر باد دادن توان و نیروهای کارآمد، برآیندی نداشته‌اند. در واقع برنامه‌ریزان باید بدانند:

الف: زبان از ادبیات جداست و باید آموزش زبان، به عنوان برآورنده نیازهای اجتماعی اشخاص از فراگیری ادبیات برای بهره‌مند شدن از میراث ادبی گذشتگان، از هم جدا شود و برای هر کدام جداگانه برنامه‌ریزی بشود (نقل به مفهوم - شهیدی، ۱۳۵۸).

ب: درباره دانش‌آموزان دیگر رشته‌ها، باید پایه کار بر آموزش درست‌نویسی نهاده شود؛ زیرا اینان هستند که در آینده، دستاوردهای پژوهشی و خویش‌اندیشی را در زمینه‌های گوناگون می‌نویسند و اگر روش درست نوشتن را به خوبی نیاموزند، ضربه‌های جبران‌ناپذیری بر پیکر زبان فارسی وارد می‌شود.

پ - یکی از روش‌های مؤثر در بروز شکوفایی ذهن افراد برای آفرینش‌های ادبی هنریف نقادی، طنز، توصیف و مقایسه انشا و نگارش است (حاتمی، ۱۳۸۷: ۱۰). درس انشا در دبیرستان‌ها می‌بایست خود دارای نمره‌ای جداگانه باشد و درس‌های نگارش و دستور نیز هر یک نمره‌ای جداگانه داشته باشند متأسفانه در کتاب‌های زبان فارسی دبیرستان نوشتن دانش‌آموزان خام می‌شود به سه سطری که در بعضی خودآزمایی‌ها آمده و سه سطری که در امتحان پایانی از دانش‌آموز خواسته می‌شود که همین حد نیز در بسیاری از کلاس‌ها جدی گرفته نمی‌شود.

ت: به کارگیری بهترین روش‌ها برای تهیه مواد درسی، بدان گونه که درونۀ درس‌ها، برانگیزنده‌اندیشه‌آفرینش‌گر و ذوق ادبی دانش‌آموزان باشد، نه فقط دستاویزی برای از بر کردن برخی مطالب کلیشه‌ای برای دست‌یابی به نمره امتحان!

ج: دخالت مستقیم فرهنگستان در برنامه‌های ادبیات مدارس؛ چه در آماده‌سازی کتاب‌ها و چه در شیوه‌های آموزشی با نقش راهنما و رهنمون. افزون بر این، فرهنگستان می‌تواند سرپرستی بخش ادبیات را در پایه‌های مختلف آموزشی (ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه) در دست بگیرد. همان‌گونه که برای نمونه، آموزش پزشکی در اختیار وزارت بهداشت و درمان قرار دارد.

خ: در مورد درس‌های شفاهی نیز باید نکاتی را یادآوری کنم. بخش بزرگی از آموزش و فراگیری ادبیات، به آموزش شفاهی بستگی دارد. دانش‌آموزان در این مورد بسیار ضعیف هستند و از نظر خواندن متن، کاستی‌های عمده‌ای دارند. جبران این کاستی‌ها به برنامه ریزی حساب‌شده‌ای نیاز دارد. (مهمان‌دوست، ۱۳۷۷: ۴۰)

نتیجه‌گیری
تلاش برای بهینه‌سازی آموزش زبان و ادب فارسی و ارج‌گذاری بر فرایند فراگیری بایسته آن، روشن می‌سازد که هر قلم به دستی - حتی اگر نام استاد را هم به خود بسته باشد - نمی‌تواند نویسنده‌ای درست‌نویس باشد. این امر حاصل آموزش دقیق و تحمل زحمت‌های بسیار در راه مطالعه آثار ادبی است. هم‌چنین برنامه‌ریزی آموزشی، تدوین بایسته کتاب‌های درسی و پرورش آموزگاران کارآمد از پایه‌های اصلی یک نظام آموزشی پیشرفته به شمار می‌رود. در صورتی که بتوان به این هدفها دست یافت، شاید اندکی از منزلت آسیب‌دیده زبان و ادبیات فارسی دوباره به جای خود بازگردد.

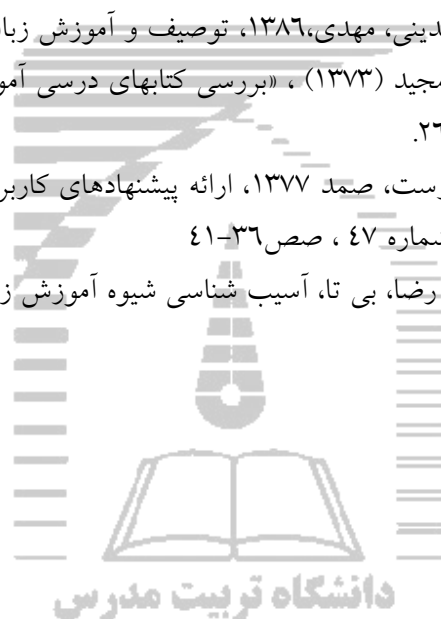
برگزاری همایش‌های سالانه و دعوت از دبیران و ویراستاران کارآمد برای ارائه دیدگاه‌ها و بررسی تجربه‌های همکاران، به دور از هر گونه تکلیف و شعارزدگی، در بهبود روند آموزش زبان و اصلاح مشکلات کتب درسی تأثیر به‌سزایی دارد. در پایان هر ترم، گروهی ویژه به گردآوری دیدگاهها، نقدها و سنجه‌های معلمان درباره آن کتاب‌ها پردازند تا اثرات مثبت یا منفی آن‌ها ارزیابی شود و پس از نقد نظرات آنچه به نظر صحیح می‌رسد به مؤلفان ابلاغ شود تا هر چه سریع‌تر اصلاح گردد.

منابع:

- استعلامی محمد، ۱۳۷۹، آموزش زبان آموزش ادبیات، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران
ثمره، ید الله، ۱۳۷۲، آموزش زبان فارسی، انتشارات بین‌المللی هدی.

- حاتمی، حافظ، ۱۳۸۷، آموزش زبان فارسی با رویکردی به نظام جدید آموزشی، اصفهان: هنرهای زیبا.
- دامادی، سیدمحمد، ۱۳۷۴، «زبان فارسی و پیوند با فرهنگ»، سروش، دوره هفدهم، شماره ۷۷، صص ۴۵-۴۰.
- ژیرار، دنی، ۱۳۶۵، زبان‌شناسی کاربردی و علم آموزش زبان، مترجم گیتی دیهیم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شقایقی، ویدا، ۱۳۷۸، اهداف آموزش زبان فارسی، نامه فرهنگ، شماره ۳۴، صص ۱۳۲-۱۲۶.
- شهیدی، سیدجعفر، ۱۳۵۵، «تدریس فارسی در دوره دبیرستان»، فارسی و آیین نگارش ۳ و ۴، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۴، ۲۴۵.
- فارسی و آیین نگارش ۱ و ۲، «نقش کلمات در جمله» وزارت آموزش و پرورش، صص: ۱۷۵-۱۷۴ و ۲۳۳-۲۳۰.
- فرشید ورد، خسرو (۱۳۷۲)، «طرحی برای تقویت زبان فارسی»، نشر دانش، نشر ۵، مرکز نشر دانشگاهی، دوره سوم، شماره ششم، صص: ۱۴-۱۰.
- مشکوه الدینی، مهدی، ۱۳۸۶، توصیف و آموزش زبان فارسی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ملکان، مجید (۱۳۷۳)، «بررسی کتابهای درسی آموزش و پرورش»، رشد تکنولوژی آموزشی، دوره دهم، شماره ۶، صص: ۲۸-۲۶.
- مهمان دوست، صمد، ۱۳۷۷، ارائه پیشنهادها کاربردی برای بهبود کیفیت آموزش زبان فارسی، رشد آموزش زبان فارسی، شماره ۴۷، صص ۳۶-۴۱.
- نیلی پوررضا، بی تا، آسیب شناسی شیوه آموزش زبان فارسی، نامه فرهنگستان علوم، شماره ۱۸، صص ۲۱-۲۶.

انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی



نخستین همایش آموزش زبان فارسی

www.Anjomanfarsi.ir